

واکاوی نظریه‌ی تحریف کتاب مقدس در پرتو قرآن کریم با تأکید به دیدگاه مفسران

پوهندوی نورمحمد ناج عضو کادر علمی پوهنحی شرعیات پوهنتون بلخ

چکیده

این مقاله تحت عنوان «واکاوی نظریه تحریف کتاب مقدس در پرتو قرآن کریم با تأکید به دیدگاه مفسران» به بررسی مفهوم ومصداق تحریف در کتاب مقدس از نگاه قرآن کریم پرداخته شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع وقوع تحریف در کتاب مقدس اشاره دارد که این تحریف گاهی در لفظ و گاهی در معنا و تفسیر و بیان آن صورت گرفته است، نویسنده در روشنایی آیات قرآنی، با مراجعه واستناد به دیدگاه مفسران، مفهوم، مصداق و موضوعیت تحریف در کتاب مقدس و چگونگی آن را توضیح، و میزان تحریف و چگونگی آنرا بیان نموده است. فهم دقیق این مسئله نه تنها به مسلمان بلکه به تمام کسانی در صدد یافتن حقیقت اند کمک خواهد کرد تا بتوانند تفاوت های وحی الهی و ساخته و پرداخته انسانهای در متون کتاب مقدس را درک نمایند، ضمن اینکه به بی اساس بودن منابع دینی مدعیان دین مسیحیت و یهودیت آگاهی حاصل می کند، به اهمیت اصالت وحی و معجزه بودن قرآن کریم پی ببرد، روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که درشش آیه از آیات قرآن کریم، از تحریف سخن به میان آمده، دلالت به این دارد که تحریف صورت گرفته در متون مقدس یهودیان و مسیحیان شامل لفظ و معنای تورات و انجیل است، و اما این تحریف همه تورات را شامل نمی‌شود، به این معنی که بخش بزرگ عهدین تحریف شده و تا هنوز قسمت‌های اندکی در آن وجود دارد که دست تحریف به آن نرسیده است تا حجت و دلیل بر صداقت پیامبر خاتم (ص) باشد.

واژگان کلیدی: انجیل، تورات، قرآن کریم، تحریف، عهدین، کتاب مقدس

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
[www.jaml .ir](http://www.jaml.ir)

fifth year, Issue 19

Pages 1-17

An analysis of the theory of distortion of the Holy Bible in the light of the Holy Quran with an emphasis on the views of the commentators

Professor Noor

Member of the academic staff of the Faculty of Sharia, Balkh University

Mohammad Naj

Abstract

This article, titled "Analysis of the Theory of Distortion of the Holy Bible in the Light of the Holy Quran with Emphasis on the Interpreters' Perspective," examines the concept and evidence of distortion in the Holy Bible from the perspective of the Holy Quran. The Holy Quran refers to the occurrence of distortion in the Holy Bible in numerous verses, and this distortion has sometimes occurred in words and sometimes in its meaning, interpretation, and expression. In the light of Quranic verses, with reference to and reference to the interpreters' perspective, the author has explained the concept, evidence, and objectivity of distortion in the Holy Bible, how to explain it, and the extent of distortion and how to express it. A precise understanding of this issue will help not only Muslims but also all those who seek the truth to understand the differences between divine revelation and human-made revelation in the texts of the Holy Bible, and will also help them to understand the groundlessness of the religious sources of those claiming Christianity and Judaism, and to realize the importance of the authenticity of the revelation and the miracle of the Holy Quran. The research method of this research is descriptive-analytical based on library studies. The findings of this research show that in six verses of the Holy Quran, there is talk of distortion, which indicates that the distortion that has taken place in the holy texts of the Jews and Christians includes the wording and meaning of the Torah and the Gospel, but this distortion does not include all of the Torah, meaning that a large part of the two Testaments has been distorted and there are still a few parts in it that have not been distorted to be an argument and evidence for the sincerity of the Holy Prophet (PBUH).

Keywords: Gospel, Torah, Holy Quran, Tahrif, Two Testaments, Holy Bible

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

دو وجه حمل کرد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ق، ص ۲۲۸) خداوند فرموده است: {مَنْ أَلَّيْنِ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا} [نساء: ۴۶] برخی از آنان که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام با درآمیختن عبری به عربی] می‌گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی استهزا می‌گویند] راعنا [که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث ما] و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند.

مفهوم کتاب مقدس:

هدف از «کتاب مقدس» مجموعه اسفاری است که یهودیان و مسیحیان به آن ارزش و قداست قایل اند شامل که عهد قدیم و عهد جدید می‌گردد که از آن به بائبل (Bible) نیز تعبیر شده است.

کلمه تورات در زبان عبری بمعنی شریعت یا تعالیم دینی است؛ (هندی، ب ت، ج ۱، ص ۵۹) و آن عبارت از کتابی است که خداوند متعال به پیغمبر خود حضرت موسی (ع) در طور سینا نازل فرموده است.

انجیل از نگاه لغوی معرب از یونانی به معنای مزده و بشارت است. (توفیقی، ۱۳۷۹ هـ ش، ص ۱۶۰) اما از در اصطلاح

قرآن کریم از نزول تورات و انجیل بر دو پیامبر بزرگ الهی، موسی و عیسی (ع) خبر می‌دهد. بدون شک آنچه که امروزه در اختیار مسیحیان و یهودیان قرار دارد و از آن به کتاب مقدس تعبیر می‌کنند، غیر از تورات و انجیل اصیل فرستاده شده بر این دو پیامبر است. ما مسلمانان به این باور هستیم که پیامبران گذشته از جانب الله متعال مبعوث شده‌اند، کتاب‌هایی را که از جانب خداوند آورده‌اند همه صحیح و موافق با مصلحت زمان آنها بوده است. و نیز عقیده داریم تورات و انجیل از جانب خداوند است، هر دو کتاب آسمانی و مطالبش صحیح و الهی است؛ اما طبق شواهد و تصریحات آیات الهی و حتی نوشته‌های خود یهودیان و مسیحیان، در حال حاضر این دو کتاب آسمانی دستخوش تحریف قرار گرفته و مطالب آن از صحت برخوردار نیست. برای اثبات این مطلب در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که مورد استدلال مفسرین قرار گرفته است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم تحریف:

علماء لغت تحریف را به معنای برگردانیدن سخن از موضع و جای آن و همچنین تحریف به معنی تغییر، تبدیل، انقلاب، واژگونی و انحراف سخن و یا چیزی دیگر از حالت و وضع خود و تقلب آمده گرفته اند (دهخدا، ۱۳۷۷ هـ ش، ج ۵ ص ۶۷۶). که اصل آن از ماده «حرف» یعنی گز کردن و برگردانیدن است (هاشمی، ۱۳۸۵ هـ ش، ج ۷، ص ۴۳۰). ابن منظور تحریف کلام را، به معنی تغییر معنی آن گرفته است (ابن منظور، ب ت، ج ۹، ص ۴۱). امام راغب اصفهانی گفته است: تحریف کلام آن است که آنرا در گوشه ای از احتمال قرار دهی که بتوان به

این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل، خود نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند آن که به نیکی فرمانشان می‌دهد و از ناشایست بازشان می‌دارد و چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاک را حرام و بار گرانشان را از دوششان بر می‌دارد و بند و زنجیرشان را می‌گشاید پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگارانند.

علامه جارالله زمخشری در رابطه به مصادیق تحریف در تحت آیت {يُحَرِّقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ} می‌نویسد: چون ایشان هنگامی که دست به دگرگونی زدند عوض واژه‌های دیگری را جایجا کردند، واژه‌ها را از جایگاه اصلی اش تغییر دادند و دور ساختند، مانند تحریف نمودن [وصف پیامبر] «گندم گون قد متوسط» را از جایگاهش در تورات به «گندمگون قد بلند» تغییر دادند، مانند این سخن ایشان {وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ} به این معنای که بشنو درحالی که تو شنوا نیستی، این سخن از سخنان دوپهلوی است که احتمال ذم و غیر آنرا دارد در صورت مدح به معنای بشنو از ما، امید که سخنی را از ما بشنوی که آن را دوست داشته باشی، و سخنی را از ما نشنوی که آن را دوست نمی‌داری. «وَرَأَعْنَا» منظورشان از آن متصف نمودن حضرت به کم خردی و عیب و زشتی بود و گمان می‌بردند با استعمال کلمات دو پهلوی خدا و پیامبر فریب می‌خورند. آنها با استعمال اینگونه کلمات و پیچ دادن زبانشان به عیب جویی از دین و پیامبر می‌پرداختند و در میان خود این مطلب را به صراحت بیان می‌کردند. (جار الله زمخشری، ب

ت، ج ۱، ص ۵۴۹)

۲- دیگر اینکه طبق فرمان تورات، جزای زنا محصنه رجم بود، ولی در آن تحریف رخ داده است. چون در تورات حکم

مسلمانان، انجیل همان کتاب آسمانی می‌باشد که از جانب خداوند (ج) به حضرت عیسی (ع) برای هدایت و رهنمایی بنی اسرائیل نازل گردیده است. (اشرفی، ۱۳۸۹ هـ.ش، ص ۱۸۴)

هدف ما بطور مشخص از «بایبل» همان تورات و انجیلی است که مسیحیان امروزی در ضمیمه کتاب مقدس به آن باور دارند و به آنها تقدس قایل اند، اما یهودی‌ها صرف به تورات یا همان عهد قدیم ایمان دارند و بس.

مصادیق تحریف:

درباره‌ی مصادیق تحریف کتاب مقدس به موضوعات مختلف اشاره شده است، با اینکه تحریف در معنا و مفهوم آن صورت گرفته است یا در لفظ آن؟ اما در روایات و تتبع آثار علمای اسلام دو موضوع ذکر گردیده است:

۱- نخست اینکه وصف پیامبر اسلام و بشارت به پیامبری ایشان، چنانچه در سوره بقره خداوند فرموده است: {الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [بقره: ۱۴۶] آن کسانی که کتاب را به ایشان داده ایم، او (محمد) را می‌شناسند همان گونه که فرزندانشان را می‌شناسند، و همانا گروهی از آنان حق را پنهان می‌کنند درحالی که می‌دانند.

در سوره اعراف می‌فرماید: {الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} [اعراف: ۱۵۷] آنان که از این رسول،

برداشت. آنگاه آیه رجم را دیدند و گفتند: ای محمد! او راست می‌گوید: در تورات، آیه رجم، وجود دارد. سرانجام، رسول خدا (ص) دستور داد و آن دو نفر، رجم شدند.

چگونگی تحریف:

از مجموعه آیاتی که در قرآن مجید درباره تحریفهای یهود آمده، استفاده می‌شود که گاهی تحریف آنها معنوی بوده؛ بدین گونه که معانی الفاظ را دگرگون می‌ساختند، و گاهی تحریف لفظی می‌کردند و گاهی به مخفی ساختن قسمتی از آیات دست می‌زدند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ هـ ش، ج ۴، ص ۴۰۱)

بنابر آنچه گفته شد میتوانیم تحریف به صورت کلی به دو دسته تقسیم کنیم:

۱- تحریف لفظی: کم یا زیاد کردن الفاظ. که این تعریف ناظر بر کتابت و ظاهر عبارات است.

۲- تحریف معنوی: برگرداندن عبارت از معنای واقعی خود با حفظ اصل الفاظ. که این نوع تعریف را علماء مربوط به تفسیر وتأویل آنها دانسته اند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۳، ص ۵۶۰)

دروغ تحریف معنوی بین مسلمانها و مسیحیان اختلاف ونزاعی نیست؛ چون مسیحی ها بطور مجموع صدور چنین تعریف را از طرف یهود در تفسیر آیات عهد قدیم، که بنا به گمان شان در آن آیات به مسیح اشاره شده بود امر مسلم می‌دانند، اما در وقوع تحریف لفظی با تمام اقسام آن یعنی تبدیل الفاظ، زیادت الفاظ ونقصان آن در تورات وانجیل با

رجم آمده بود، ولی علماء یهود درابتداء بین افراد ثروتمند و فقیر فرق گذاشتند و سپس چون فقیران به این تبعیض اعتراض کردند و آن را نپذیرفتند وزنا هم بین ثروتمندان رواج یافته بود علمای آنان با یکدیگر مشوره کردند و به جای رجم، احکام دیگری وضع نمودند. (حداد عادل، ۱۳۸۰ هـ ش، ج ۶، ص ۶۳۵)

امام بخاری در ذیل آیت: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيْقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ} [آل عمران: ۲۳] آیا آنان را ندیدی که از کتاب بهره ای یافته بودند، چون دعوت شدند، تا کتاب خدا در باره آنها حکم کند گروهی از ایشان بازگشتند و اعراض کردند؟ روایتی را از عبدالله ابن عمر نقل میکند: «أَنَّ الْيَهُودَ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَذَكَرُوا لَهُ: أَنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ وَأَمْرَأَةً زَنِيًّا، فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَا تَجِدُونَ فِي التَّوْرَةِ فِي شَأْنِ الرَّجْمِ؟» فَقَالُوا: نَفَضَحُهُمْ، وَيَجْلِدُونَ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ: كَذَّبْتُمْ، إِنَّ فِيهَا الرَّجْمُ، فَأَتَوْا بِالتَّوْرَةِ، فَنَشَرُوهَا، فَوَضَعَ أَحَدُهُمْ يَدَهُ عَلَى آيَةِ الرَّجْمِ، فَقَرَأَ مَا قَبْلَهَا وَمَا بَعْدَهَا، فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ: ارْقَعْ يَدَكَ، فَرَفَعَ يَدَهُ، فَيَذَا فِيهَا آيَةَ الرَّجْمِ، فَقَالُوا: صَدَقَ يَا مُحَمَّدٌ فِيهَا آيَةُ الرَّجْمِ، فَأَمَرَ بِهِمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَرُجِمَا». (بخاری، ۱۳۲۲ هـ ق، ج ۹، ص ۱۶۴) ترجمه: تعدادی از یهودیان نزد رسول الله (ص) آمدند و به او گفتند که مرد و زنی از آنها مرتکب زنا شده اند. رسول خدا (ص) به آنان گفت: «در این باره در تورات چه حکمی آمده است؟» گفتند: آنان را رسوا می‌کنیم و شلاق می‌زنیم. عبدالله بن سلام (رض) گفت: دروغ می‌گویید. در این باره در تورات، حکم رجم آمده است. آنگاه، تورات را آوردند و باز کردند. سپس یکی از آنان، دستش را بر آیه رجم گذاشت و آیات ما قبل و مابعد آنرا خواند. عبد الله بن سلام (رض) به او گفت: دستت را بردار. او دستش را

از مصادیق تحریف که موضوع در عهدین تذکر رفته اما قرآن آنرا رد می‌کند، مسأله تصور فرزندی نصارا با خداوند است؛ درسفرخروج ۲۴/۴، سفر ارمیا ۹/۳۱، یوحنا ۳۱/۱ و هوشع ۱۰/۱ تذکر رفته است. قرآن کریم این رابطه را نفی نموده خداوند را از چنین رابطه بری میداند، چنانچه در سوره مائده می‌فرماید: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرْ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ} [مائده: ۱۸] و یهودان و ترسایان گفتند ما پسران خدا و دوستان او هستیم بگو پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند دهنه [بلکه شما هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی اوست.

و همچنین قرآن پسر خدا بودن مسیح را رد نموده می‌فرماید: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزَّىٰرُ بْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ} [توبه: ۳۰] یهود گفتند عزیر پسر خداست و نصاری گفتند مسیح پسر خداست این سخنی است [باطل] که به زبان می‌آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند شباهت دارد خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوند.

زمینه‌های ایجاد تحریف:

در زمینه شیوه ایجاد تحریف در تورات وانجیل قرآن کریم سه روش را برمی‌شمارد:

۱- کتمان؛

اینکه علمای پروتستان منکر چنین تحریف اند، ثابت است. (هندی، ب ت، ج ۱، ص ۲۴۸)

در مورد اینکه تحریف صورت گرفته، شامل تمامی لفظ و معنای تورات وانجیل بدون استثناء است و یا اینکه معنای آنها تحریف شده است نه لفظ آن و اینکه تورات وانجیل لفظاً و معنأ تحریف شده، و اما این تحریف همه تورات را شامل نمی‌شود، دیدگاه متفاوت ارائه شده است، امام رازی می‌گوید:

رای اول در افراط فرورفته می‌گوید: همه تورات بدون استثناء لفظاً و معنأ تحریف شده است.

رای دوم در مقابل به تفریط گراییده می‌گوید: تحریف تنها در تأویل معنای تورات صورت گرفته، اما از نگاه الفاظ در آن تغییر نیامده است.

رای و نظریه سوم راه وسط را پیموده می‌گوید: تورات لفظاً و معنأ تحریف شده، و اما این تحریف همه تورات را شامل نمی‌شود، بلکه اکثریت آن تحریف شده، و تا هنوز آیات اندکی در تورات وجود دارد که در آن تغییر نیامده است و دست تحریف به آن نرسیده، بلکه همانطوریکه از طرف خداوند (جل جلاله) وحی شده باقی است. که از جمله صفات پیغمبر اسلام (ص) و رجم زانی محصن می‌باشد. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۳، ۵۶۰) و بنا به گفته امام ابن حزم: خداوند (جل جلاله) عمداً بعضی آیات را در تورات از تحریف محفوظ داشته است تا سبب رسوائی یهود باشد، و بر آنها حجت شود. (ابن حزم، ب ت، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳). گرچه تحقیق و بسط این سه دیدگاه نیاز به شرح و تفصیل بیشتر دارد که این مقاله از احتوای آن عاجز است، اما حسب تقاضای مکان، صرفاً به ذکر آیتی که از محتوای آن تحریف تورات دانسته میشود بسنده می‌کنیم.

بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی مگر [شماری] اندک از ایشان
[که خیانتکار نیستند] پس از آنان درگذر و چشم پوشی کن
که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۲- تغییر؛

۳- تلبیس.

این تغییر میتواند با قرائت ناصحیح اعراب کلمات نیز ایجاد
شود؛ که خداوند(ج) فرموده است: {وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ
الْأَسِنَّةَ مِنَ الْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ
وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [آل عمران: ۷۸] و از میان آنان گروهی
هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده‌ای]
می‌پیچانند تا آن [بربافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی]
پندارید با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست و می‌گویند آن
از جانب خداست در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا
دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند.

{ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ }
[مائده: ۱۳] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی
از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند.

تلبیس هم به معنای خلط^۳ و آمیختن اشیاء نامطلوب با
اشیاء مطلوب پوشانیدن جامه ای از تفاسیر نامربوط بر صورت
آیات مکتوب است؛(جارالله زمخشری، ب ت، ج ۱، ص ۵۴) این
فرمان الهی به این مدعی شاهد است: {وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ
بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} [بقره: ۴۲] ترجمه:
و حق را به باطل درنیا میزید و حقیقت را با آنکه خود می‌دانید
کتمان نکنید. و این فرموده خداوند متعال: {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ
تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}
[آل عمران: ۷۱] ای اهل کتاب چرا حق را به باطل درمی‌آمیزید
و حقیقت را کتمان می‌کنید با اینکه خود می‌دانید. الوسی در
تفسیر این آیت می‌نویسد: «لبس» بفتح لام به معنای

مراد از کتمان حذف یا پنهان داشتن برخی از عبارات در
هنگام خواندن یا نوشتن است.(عمید، ۱۳۸۶ هـ ش، ج ۳،
ص ۱۹۴۷) اما اگر همه آیات حفظ شود و تنها موضع یا صورت
کلماتی از آن دگرگون، یا کم و زیاد گردد، تغییر صورت گرفته
است؛ چنانچه خداوند(جل جلاله) فرموده است: {مَنْ الَّذِينَ
هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا لِيَا بِالسِّنِّتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ
أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ
وَلَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا} [نساء: ۴۶]
برخی از آنان که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود
برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در
دین [اسلام] در آمیختن عبری به عربی [می‌گویند شنیدیم و
نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی
استهزا می‌گویند] راعنا [که در عبری یعنی به ما التفات کن
ولی در عبری یعنی خبیث ما] و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و
فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعا برای آنان بهتر و
درست‌تر بود ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در
نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند.

{فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ
الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى
خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ} [مائده: ۱۳] پس به [سزای] پیمان شکستشان
لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [به طوری
که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه
را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره

۳- {وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ بِحَرْفٍ مِنَ الْكَلِمِ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا} [المائدة: ۴۱] یهودیان [آنان] که [به سخنان تو] گوش می‌سپارند [تا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند] و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند خبرچینی [=جاسوسی] می‌کنند کلمات را از جاهای خود دگرگون می‌کنند [و] می‌گویند اگر این [حکم] به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید .

خداوند متعال در این آیه از برخی بنی اسرائیل نام می‌برد که با جاسوسی و کارشکنی در رسالت پیامبر اکرم (ص)، به تحریف کلمات می‌پردازند.

۴- {قَوْلٍ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٍ لَّهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ} [بقره: ۷۹] پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف‌شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.

خداوند متعال در این آیه از نوشتن کتاب‌هایی از سوی برخی افراد و نسبت دادن آنها به خداوند خبر می‌دهد. تمام مفسران افراد یادشده در این آیه را علمای یهود دانسته‌اند.

۵- {وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} آل عمران: ۷۸] در میان آنها کسانی هستند که زبان خود را چنان

درآمیختن، و فعل آن «لَبَسَ» از باب ضرب است، و به معنای اشتباه و گاهی برای مفهوم مشترک بین معنای حقیقی و مجازی استعمال می‌گردد. (الوسی، ۱۹۹۴م، ج ۲، ص ۱۹۱)

استدلال‌های قرآنی برای اثبات تحریف تورات وانجیل:

قسمیکه تحقیق نشان می‌دهد، در شش آیه از آیات نورانی قرآن کریم، از تحریف سخن به میان آمده است، که قرار ذیل ملاحظه فرمائید:

۱- {أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} [بقره: ۷۵] آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند.

در این آیه خداوند متعال به مسلمانانی که امید داشتند قوم یهود اسلام را اختیار کنند، می‌گوید: اینان هم آنان‌اند که کلام خدا را شنیدند و پس از فهمیدن آن به تحریفش پرداختند.

۲- {يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ...} [مائدة: ۱۳] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند.

خداوند متعال در این آیه از پیمان شکنی‌های قوم یهود، تحریف و جابجایی کلمات و نیز فراموش کردن آن کلمات از سوی قوم یهود خبر می‌دهد. این پیمان شکنی‌ها سبب دور شدن آنها از رحمت خداوند و سنگ شدن دل‌های آنها شد.

رهیافت قرآن به موضوع تحریف عهدین چنان است که قرآن کریم اول به وحیانی بودن تورات وانجیل تصریح میکند و خود را مؤید آن دانسته، تورات وانجیل را به صفات نور و هدایت برای مسلمانان معرفی کرده مسلمانان را به ایمان به تورات وانجیل دعوت می‌نماید، و بعداً تأکید می‌کند که این دو کتاب آسمانی تحریف شده اند، چنانچه خداوند (ج) فرموده است: {أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ} [بقره: ۲۸۵] پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شد ایمان آورد، و مومنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبرانش ایمان آوردند و گفتند: بین هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: « شنیدیم و اطاعت کردیم . پروردگارا! امرزش ترا می‌خواهیم، و بازگشت به سوی توست.»

{وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ} [انعام: ۹۱] وقتی که می‌گویند که خدا بر هیچ انسانی چیزی نازل نکرده است، خدا را، آنچنان که در خور اوست نشناخته اند بگو: کتابی را که موسی برای روشنایی و هدایت مردم آورد، چه کسی بر او نازل کرده بود؟ آن را بر کاغذها نوشتید، پاره ای از آن را آشکار می‌سازید ولی بیشترین را پنهان می‌دارید به شما چیزها آموختند که از این پیش نه شما می‌دانستید و نه پدرانتان می‌دانستند بگو: آن الله است آنگاه رهیشان ساز تا همچنان به انکار خویش دلخوش باشند.

می‌گردانند که گمان کنید [آنچه را می‌خوانند] از کتاب [خدا] است، در حالی که از کتاب [خدا] نیست! او با صراحت می‌گوید: "آن از طرف خداست!" با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند، در حالی که می‌دانند.

خداوند متعال در این آیه، از این واقعیت خبر می‌دهد که برخی افراد به هنگام خواندن کتاب آسمانی‌شان، زبان خود را می‌چرخانند، آن‌گاه پس از ایجاد تغییر در آن الفاظ، آنها را همان الفاظ واقعی معرفی می‌کردند.

بنابه گفته مفسران مقصود از کتاب، در این آیه همان تورات است، همچنین نتیجه کلی این آیه همان تحریف تورات است.

۶- {مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنِينَهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ} [نساء: ۴۶] بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند و [به جای اینکه بگویند: "شنیدیم و اطاعت کردیم"، می‌گویند: "شنیدیم و مخالفت کردیم! و] نیز می‌گویند: [بشنو! که هرگز نشنوی! و] از روی تمسخر می‌گویند: [راعنا] ما را تحمیق کن!] " تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند.

خداوند متعال در این آیه به صراحت از تحریف کلمات و جابه‌جا کردن آنها به وسیله قوم یهود، خبر داده است.

تلقی قرآن از تورات و انجیل:

قبل از این‌که به‌مبحث تحریف کتاب‌مقدس از دیدگاه قرآن کریم بپردازیم، ضروری خواهد بود تا تلقی قرآن از این دو کتاب (تورات وانجیل) روشن شود.

و حتی قرآن خود را مصدق آن دو کتاب آسمانی میخواند؛ قسمی که می فرماید: {نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ}. [آل عمران: ۳] کتاب را بر تو به حق نازل کرد، تصدیق کننده کتابهایی است که پیش از آن بوده اند و قبل از آن تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرو فرستاد. و سپس با طرح مسئله تحریف، موارد غیر وحیانی آن را برمی شمرد.

قرآن مجید و مسأله تحریف

جمهور مسلمانان به این دیدگاه اند که «کتاب مقدس» متداول تحریف شده و کتاب‌های جعلی هستند که ساختار شان دلالت به این دارد که آسمانی نمی باشند. پیامهای الهی تورات و برخی کتب عهد عتیق نیز ساختار کتاب را به هم نمی زند و مانند آیاتی از قرآن است که در کتاب سیره پیامبر اکرم (ص) نقل می شود. تعداد این آیات هر قدر هم زیاد باشد کتاب سیره را به قرآن تبدیل نمی کند. (توفیقی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ص ۲۳۲)

اما اینکه آیا تورات و انجیل اصیل تحریف شده اند یا نه؟، بین دانشوران مسلمان اختلاف هست.

ابن عطیه در تفسیر این آیه گفته است: تحریف سخن از جانب یهودیان به دو شکل صورت گرفته است، یکی با تغییر لفظ که در مقدار کمی از تورات مرتکب آن شده اند و دیگری تحریف با تغییر تأویل که در بیشتر تورات مرتکب آن شده اند. (ابن عطیه، ب ت، ج ۴، ص ۸۷) طبری هم این را گفته است. (طبری، ۲۰۰۰ م، ج ۸، ص ۴۳۰)

در تفسیر فتح القدير هم چنین آمده است: تحریف به معنی کج کردن و کنار زدن است. یعنی یهودیان تورات را کنار

{وَكَيْفَ يَحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ . إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوُا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ . وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ . وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} [مانده: ۴۳ - ۴۷] چگونه تو را داور قرار می دهند، در حالی که تورات که حاوی حکم خداست در، نزد آنهاست؟ سپس از حکم تو رویگردان می شوند و اینان ایمان نیاورده اند. ما تورات را که در آن هدایت و روشنایی است، نازل کردیم پیامبرانی که، تسلیم فرمان بودند بنابر آن برای یهود حکم کردند و نیز خدانشناسان و دانشمندان که به حفظ کتاب خدا مامور بودند و بر آن گواهی دادند، پس، از مردم مترسید، از من بترسید و آیات مرا به بهای اندک مفروشید و هر که بر وفق آیاتی که خدا نازل کرده است حکم نکند، کافر است. و در تورات بر آنان مقرر داشتیم که نفس در برابر نفس و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاصی است و هر که از قصاص درگذرد، گناهش را کفاره ای خواهد بود و هر که به آنچه خدا نازل کرده است حکم نکند، از ستمکاران است.

- ۱- آیاتی که صرفاً به تحریف تورات وانجیل اشاره دارند.
- ۲- آیاتی که روشهای ایجاد تحریف را بازگو می کنند.
- ۳- آیاتی که نمونه ها ومثالهای تحریف را برمی شمارند.
- ۴- آیاتی که اهداف تحریف کنندگان را بیان می دارند.
- ۵- آیاتی که به عواقب عمل تحریف می پردازند. (موسوی
بنجوردی، ۱۳۸۳ هـ.ش، ج ۱۴، ص ۶۲۰)

اول: آیاتی که صرفاً به تحریف تورات وانجیل اشاره دارند.

از گروه نخست می توان به مواردی اشاره کرد که در آنها
یهود ونصارا، به تحریف آگاهانه کتاب آسمانی خویش متهم
شده اند؛ که آیات ذیل قرآنی به این موضوع گواه است:
{أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ
اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ . وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ
آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغَضِبِهِمْ إِلَى بَعْضِ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا
فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ . أَوَلَا
يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ . وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا
يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أُمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ . قَوْلٌ لِلَّذِينَ
يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا
بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبْتَ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا
يَكْسِبُونَ} بقره: ۷۵ - ۷۹ [آیا طمع دارید که [اینان] به شما
ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند
سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می کردند و خودشان
هم می دانستند . و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان
آورده اند برخورد کنند می گویند ما ایمان آورده ایم و وقتی با

می زنند و چیزهای دیگری را جایگزین آن می سازند، یا اینکه
آن را به صورت نادرست تأویل می کنند. (شوکانی، ب ت، ح ۱،
۸۶)

فخرالرازی گفته است خداوند(ج) در سوره ی نساء فرموده
است: {مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ} [النساء:
۴۶] در این آیه اگر تحریف را به معنی تأویل باطل بگیریم،
یعنی یهودیان تأویلات باطلی را برای متون تورات ذکر
می کنند. و این آیه برحذف الفاظ تورات دلالت نمی کند. ولی
خداوند در سوره ی مائده می فرماید: {وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا
سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ
مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ
فَأَحْذَرُوا} [المائدة: ۴۱] آن یهودان که گوش به دروغ
می سپارند و برای گروهی دیگر که خود نزد تو نمی آیند سخن
چینی می کنند، و سخن خدا را دگرگون می سازند، و می گویند
: اگر شما را اینچنین گفت بپذیرید و گرنه از وی دوری گزینید.
این آیت بر هر دو معنی دلالت می کند، یعنی هم تأویلات
باطله را ذکر می کنند و هم الفاظ تورات را حذف می نمایند،
که {يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ} به معنی اول و {مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ} به
معنی دوم اشاره می کند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق، ج ۱۰،
ص ۹۳) {لِيَأْ بِالسِّنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ} [النساء: ۴۶] یعنی به
منظور توهین به دین و مورد تمسخر قرار دادن آن، زبان خود
را از حق به سوی آنچه که در دل داشتند می چرخاندند. (ابن
عطیه، ب ت، ج ۴، ص ۱۸۹)

منطق قرآن در اثبات تحریف تورات وانجیل

با درنظر داشت مطلب ذکر شده، دانشمندان آیات مربوط
به این موضوع را چنین تقسیم بندی کرده اند:

از اینکه قرآن مسلمانان را به ایمان به تورات وانجیل دعوت نموده است، [بقره: ۲۸۵] فهم این موضوع که کدام موارد این کتابها وحی نیستند، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

در این مورد از معتقدات واقوال یهود که خداوند(ج) در قرآن به نادرست بودن آن تصریح دارد، به بعضی آن اشاره می نماییم که از این قرار است (موسوی بنجوردی، ۱۳۸۳هـ.ش، ج ۱۴، ص ۲۷۲):

۱- عدم مداخله خداوند در هستی، پس از خلقت: قرآن کریم این مسئله چنین بازگو نموده ورد می کند: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَعْلُومَةٌ غَلَتْ أَيْدِيَهُمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ... } [المائدة: ۶۴] یهود گفتند که دست خدا بسته است دستهای خودشان بسته باد و بدین سخن که گفتند ملعون گشتند دستهای خدا گشاده است به هر سان که بخواهد روزی می دهد ...

۲- حذف مطالب مربوط به آخرت: مسئله ایمان به آخرت در متون دینی یهود انعکاس چندانی ندارد، حتی که فرقه صدوقیان به طور کلی به بعث بعد از مرگ وبملائکه و جهان آخرت ایمان ندارند و جزای اعمال انسان را در این جهان میدانند و در تورات متداول ذکر از آخرت وزندگی بعد از مرگ نشده است، اگر فقه فریسیان ایمانی به آخرت دارند آنهم به صورت منحرفانه که قرآن کریم آنرا چنین بازگویی نموده است: {وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً ... } [البقره: ۸۰ - ۸۳] و گویند: «آتش جهنم جز چند روزی به ما نمی رسد»...

۳- تقلیل عذاب یهود به مدت چند روز: یهودیان همیشه به اندیشه اینکه خود را نسل برگزیده خداوند می دانند، از بی عدالتی و گناه نمی ترسند و خود را قابل ترحم و دور از مواخذه الهی می پندارند، می گویند: {ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ

همدیگر خلوت می کنند می گویند چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می کنید تا آنان به [استناد] آن پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند آیا فکر نمی کنید. آیا نمی دانند که خداوند آنچه را پوشیده می دارند و آنچه را آشکار می کند می داند.

و [بعضی] از آنان بی سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی دانند و فقط گمان می برند . پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با دستهای خود می نویسند سپس می گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند.

{قَبِيْمًا تَقْضِيهِمْ مِّثْقَالَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيْلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ } مائده: ۱۳ پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند] پس از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

دوم: آیاتی که روشهای ایجاد تحریف را بازگو می

کند.

حالا باید دید که روش ها و نمونه های تحریف در تورات وانجیل کدام است، و در نظر قرآن کریم کدام موضوعات تورات وانجیل مورد تحریف واقع شده است.

آنها حلال می‌کند و چیزهای ناپاک را حرام و بار گرانشان را از دوششان بر می‌دارد و بند و زنجیرشان را می‌گشاید پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگاراند.

۶- پسر خدا دانستن عزیر توسط یهود و عیسی توسط نصاری: خداوند در مورد چنین تصریح میدارد: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيرُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ} [التوبة: ۳۰] یهود گفتند که عزیر پسر خداست، و نصاری گفتند که عیسی پسر خداست این، سخن که می‌گویند همانند گفتار کسانی است که پیش از این کافر بودند خدا بکشیشان به کجا باز می‌گردند؟

۷- حلال دانستن مال غیر به یهودی برای یهودی: موضوع را قرآن کریم چنین بازگو می‌کند: {وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بدينارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِيَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَّا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ} {آل عمران: ۷۵} از میان اهل کتاب کسی است که اگر او را امین شمري و قنطاری به او، بسپاری آن را به تو باز می‌گرداند، و از ایشان کسی است که اگر امینش شمري و دیناری به او بسپاری جز به تقاضا و مطالبت آن را باز نگرداند زیرا می‌گوید: راه اعتراض مردم مکه بر ما بسته است و کس ما را ملامت نکند اینان خود می‌دانند که به خدا دروغ می‌بندند.

۸- ربوبیت قایل شدن برای احبار: قرآن کریم این مسئله را چنین توضیح میدهد: { اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا

إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ} {آل عمران: ۲۴} و این [سرباز زدن از حکم الهی] بدان سبب بود که می‌گفتند: آتش جز چند روزی ما را عذاب نخواهد کرد و این دروغ که بر خود بسته بودند در دین خود فریبشان داد. آیت ۸۰ سوره بقره نیز همین موضوع را بیان میکند در فقره گذشته ذکر شد.

۴- قول به رابطه پدری و فرزندگی قوم یهود با خداوند: در مورد الله متعال فرموده است: {وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ} ... [المائدة: ۱۸] یهودیان و مسیحیان گفتند که ما فرزندان و دوستان خدا هستیم بگوی: پس چرا شما را به پاداش گناهانتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما انسانهایی از جمله آفریدگان هستید...

۵- کتمان بشارت ظهور پیامبر اسلام و تغییر اوصاف وی که در تورات موجود بوده است: با اینکه دسته از اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام و جمع واقع‌نگر با ملاحظه بشارت موجود در تورات و انجیل به پیامبر (ص) ایمان آوردند، اما بیشترین ایشان این بشارت را کتمان نموده به تغییر و تحریف آن اقدام نمودند، در مورد خداوند (ج) فرموده است: {الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} [الأعراف: ۱۵۷] آنان که از این رسول، این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل، خود نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند آن که به نیکی فرمانشان می‌دهد و از ناشایست بازشان می‌دارد و چیزهای پاکیزه را بر

نمونه روشن اشاره به تحریف مبتنی بر کتمان، آیت از قرآن است که یهود را متهم می کند که آیات تورات را در اوراقی نگاشته اند و برخی را به میل خود آشکار و برخی را پنهان می سازند؛ (موسوی بنجوردی، ۱۳۸۳ هـ.ش، ج ۱۴، ص ۶۲۰) خداوند (ج) می فرماید: {قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ} [انعام: ۹۱] بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است [و] آن را به صورت طومارها درمی آورید [آنچه را] از آن [می خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می کنید در صورتی که چیزی که نه شما می دانستید و نه پدرانان [به وسیله آن] به شما آموخته شد بگو خدا [همه را فرستاده] آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند.

قرآن کریم در مورد تغییر نیز از ایشان چنین انتقاد می کند: که با چرخش زبان خویش الفاظ را چنان بیان می دارند که معنای دیگری بدهد؛ خداوند فرموده است: {مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنِّتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا} [انساء: ۴۶] برخی از آنان که یهودی اند کلمات را از جاهای خود برمی گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام] با درآمیختن عبری به عربی [می گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی و [نیز از روی استهزا] می گویند] راعنا [که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث ما] و اگر آنان می گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعاً برای آنان بهتر و درست تر بود

إِلَهُ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ} [التوبة: ۳۱] علماء دینی و پارسایان خویش و مسیح پسر مریم را به جای الله به خدایی گرفتند و حال آنکه مامور بودند که تنها یک خدا را بپرستند، که هیچ خدایی جز او نیست منزّه است از آنچه شریکش می سازند.

۹- تعطیل حکم رجم زانیه: امام بخاری در شأن نزول آیت ۲۳ سوره آل عمران که خداوند فرموده است: {أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ} [آل عمران: ۲۳] آیا آنان را ندیدی که از کتاب بهره ای یافته بودند، چون دعوت شدند، تا کتاب خدا در باره آنها حکم کند گروهی از ایشان بازگشتند و اعراض کردند؟ روایتی را از عبدالله این عمر روایت میکند: تعدادی از یهودیان نزد رسول الله (ص) آمدند و به او گفتند که مرد و زنی از آنها مرتکب زنا شده اند. رسول خدا (ص) به آنان گفت: «در این باره در تورات چه حکمی آمده است؟» گفتند: آنان را رسوا می کنیم و شلاق می زنیم. عبدالله بن سلام (رض) گفت: دروغ می گویند. در این باره در تورات، حکم رجم آمده است. آنگاه، تورات را آوردند و باز کردند. سپس یکی از آنان، دستش را بر آیه رجم گذاشت و آیات ما قبل و مابعد آنرا خواند. عبد الله بن سلام (رض) به او گفت: دستت را بردار. او دستش را برداشت. آنگاه آیه رجم را دیدند و گفتند: ای محمد! او راست می گوید: در تورات، آیه رجم، وجود دارد. سرانجام، رسول خدا (ص) دستور داد و آن دو نفر، رجم شدند. (بخاری، ۱۳۲۲ هـ.ق، ج ۹، ص ۱۶۴)

سوم: آیاتی که نمونه ها و مثالهای تحریف را برمی

شمارند:

کسانی که کتاب [تحریف شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.

همین است که خداوند اهل کتاب را مخاطب قرار داده می‌گوید: {وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ} [بقره: ۴۱] آیات مرا به بهای کم (دنیا) نفروشید و تنها از من بترسید و بس. پول و مال و کسب دنیوی صرف مادی سرشت همه ی یهودیان از روزگاران پیشین بوده است، چه بسا مقصود از نهی در اینجا آن چیزی باشد که رؤسای یهودیان از پول خدمات دینی به جیب می‌زدند، و فتوهای دروغین صادر نموده و به تحریف احکام دینی به نفع ثروتمندان و بزرگان قوم دست می‌بازیدند تا عقوبت و شکنجه ای متوجه کبراء و اغنیاء نگردد! چنانکه در جاهای دیگر نیز آمده است. احبار می‌خواستند مردمان ملت خویش را از پذیرفتن دین حق بدور دارند تا این چیزهائی را که بیان کردیم از دست ندهند و با ورود آنان به اسلام پیشوائی و سروری از دستشان بدر نرود در صورتی که همه ی دنیا - همچنانکه بعضی از صحابه و تابعین رضوان الله علیهم در تفسیر آن آیه فرموده اند - بهای اندکی بشمار است، هنگامی که با ایمان به آیات خدا سنجیده شود و سودی که ایمان در آخرت در پیشگاه خدا بهره ی انسان می‌سازد، در مد نظر گرفته شود. (سیدقطب، ب ت، ج ۱، ص ۱۹۸)

نتیجه:

با در نظر گرفتن فحوای تصریحات قرآن کریم و نقد دعوی یهود و مسیحیت، و نیز تفاسیری ملاحظه صورت گرفته، می‌توان نتایج تحقیق را به موارد ذیل خلاصه نمود:

ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند.

اهل کتاب کسانی بودند که به عمل اغراق و غلو در دین خود مبادرت می ورزیدند، که قرآن کریم چنین باز گویی میکند: {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا} [نساء: ۱۷۱] اهل کتاب، در دین خویش غلو نکنید و در باره خدا جز سخن حق مگویید، هر آینه عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه او بود که به مریم القا شد و روحی از او بود پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگویید که سه چیزند از این اندیشه ها باز ایستید که خیر شما در آن خواهد بود جز این نیست که الله خدایی است یکتا منزّه است از اینکه صاحب فرزندی باشد از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است، و خدا کارسازی را کافی است.

چهارم: آیاتی که اهداف تحریف کنندگان را بیان می‌دارند.

اینکه اهل کتاب تفاسیر نا موثق احبار و ربانیون را بر تورات حمل می کردند و معنی حقیقی کلام الهی را با آن تفاسیر می پوشانند تا متاع ناچیزی بدست آرند، بنابراین بیشتر انگیزه تحریف کتاب نزد یهود دینا پرستی و ثروت اندوزی بود، خداوند می فرماید: {قَوْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ} [بقره: ۷۹] پس وای بر

منابع

- قرآن کریم.
- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید اندلسی. (ب ت) الفصل فی الملل والاهواء والنحل قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن عطیه، ابومحمد عبدالحق بن غالب محاری. (ب ت). المحرر الوجیز ب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (ب ت). لسان العرب. ج ۹. بیروت. دارالصادر.
- اشرفی، سید احمد. (۱۳۸۹ ه. ش). جستارهای در دین شناسی تطبیقی. کابل: مطبعه مسلکی افغان.
- لوسی، شهاب الدین محمود ابن عبدالله. (۱۹۹۴ م). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. ج ۲. بیروت. دارالکتب العلمیه.
- بخاری، محمد بن اسمعیل. (۴۲۲ ق). صحیح البخاری. ج ۹. بیروت: دار طوق النجاة.
- بوکای، مورس. (ب ت). عهدین قرآن و علم. مترجم: حسن حبیبی. تهران: انتشارات سلمان.
- توفیقی، حسین. (۱۳۷۹ ه. ش) آشنایی با ادیان بزرگ. تهران: سمت.
- جار الله زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد. (ب ت) تفسیر کشاف. ب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حداد عادل، غلام علی. (۱۳۸۰ ه. ش). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ ه. ش) لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت نامه دهخدا.
- راغب، حسین بن محمد اصفهانی. (۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن. د. مشق: دارالقلم.

منظور ما از «کتاب مقدس» همان عهدین (عهد جدی و عهد قدیم) که از آن به یا «بایبل» نیز تعبیر شده است. هدف قرآن کریم از تورات وانجیل محرفه همان مجموعه کتاب مقدس که از آن به عهدین نیز یاد می شود می باشد، نه اجزای خاص آن. تورات وانجیل نازل شده بر موسی و عیسی (ع) کاملاً از بین رفته است و آنچه به نام آنها باقی مانده است تحریف شده و بی اعتبار است. اناجیل چهارگانه موجود نزد اهل کتاب، همان انجیلی است که به حضرت عیسی (ع) نازل شده و قرآن کریم آنرا مورد تقدیس و تأیید قرار داده، نیستند. بلکه قسمی که ثابت گردید است اناجیل موجوده بنا به تصریح قرآن کریم تحریف شده اند. در اناجیل موجوده تحریف با تمام اقسام آن اعم از تحریف لفظی و معنوی صورت گرفته است، اما این تحریف همه تورات را شامل نمی شود، بلکه اکثریت آن تحریف شده است و تا هنوز آیات اندکی در تورات وجود دارد که دست تحریف به آن نرسیده است، همان طوری که از طرف خداوند (جل جلاله) وحی شده باقی است، از جمله صفات پیغمبر (ص) و رجم زانی محصن از همین دسته اند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.

از آقای دکتر عبدالله عزیززاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.

نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

- سید قطب. (ب ت) تفسیر فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل. تهران نشر احسان.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد. (۴۱۴ ق). فتح القدير. دمشق: دار الكلم الطيب.
- شیرازی، ناصر مکارم وهمکاران. (۱۳۸۵ هـ ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۰ ق). جامع البیان فی تأویل القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله.
- عمید، حسن. (۱۳۸۶ هـ ش) فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر.
- فخرالدین رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ م) مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قنوجی، أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن. (۱۴۱۲ ق) فتح البیان فی مقاصد القرآن. بیروت: صیدا.
- موسوی بنجوردی، محمد کاظم. (۱۳۸۳ هـ) دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران. مرکز دائره المعارف اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۸۵ هـ ش) فرهنگ قرآن. قم: موسسه بوستان کتاب.
- هندی، رحمت الله. (ب ت). اظهار الحق. قاهره: المكتبة التوقیة.